

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۲۳ نومبر ۲۰۲۲



یونس نگاه

فارمت مسکو و موضع واکنشی روسیه در افغانستان

با جدی شدن مذاکرات بین امریکا و طالبان برای دوران پس از خروج نیروهای ائتلاف، روسیه تماس‌هایش با گروه طالبان را افزایش داد و همزمان با آن تدابیری برای ایجاد هماهنگی منطقه‌ای اتخاذ کرد. فارمت مسکو عنوان اجلاس منطقه‌ای است که روسیه از سال ۲۰۱۷ به این سو منظم برگزار می‌کند و به تدریج آن را از یک اجلاس سه‌جانبه بین روسیه، چین و پاکستان به یک کنفرانس منطقه‌ای ارتقا داده است که امسال در آن ۱۰ کشور (روسیه، چین، هند، ایران، پاکستان و پنج کشور آسیای میانه) به علاوه چهار کشور ناظر (عربستان سعودی، ترکیه، قطر و امارات متحده عربی) شرکت کردند.

افغانستان و امریکا غایبان مهم این کنفرانس، و درعین حال نُقل اصلی مجلس بودند. حاضران بیشتر وقت خود را صرف صحبت در مورد وضعیت افغانستان و نقش گذشته و حال امریکا در این کشور کردند. نماینده چین گفت که مسؤلیت بازسازی افغانستان بر عهده امریکا است، روسیه گفت که امریکا باید پول افغانستان را آزاد کند، ایران گفت که کشورهای منطقه باید مانع هر گونه حضور امریکا در افغانستان شوند و همه یک‌صدا گفتند که افغانستان باید در تشکیل حکومت همه‌شمول و مبارزه با فقر و گرسنگی یاری شود. اما هیچ‌یک از اعضای مجلس از نقش و مسؤلیت خود در این یاری، سخن حساب‌شدنی و به‌یادماندنی نگفت. همه اتفاق نظر داشتند که امریکا و متحدانش باید در مساعدت به افغانستان پیش‌گام شوند!

کشورهای منطقه، از جمله اعضای این اجلاس، در موضع‌گیری نسبت به نقش امریکا در افغانستان دچار تناقض‌اند. آن‌ها از یک سو تحول پارسال و برگشت طالبان به قدرت را برای امریکا شرمساری می‌خوانند و از سوی دیگر از حضور پررنگ آن کشور در افغانستان شکایت دارند. مثلاً از آقای یوئه شیان‌ونگ، نماینده چین در فارمت مسکو، نقل شده است که: «ایالات متحده هفت میلیارد دلار از دارایی‌های افغانستان را مسدود و همه کمک‌های اقتصادی و انکشافی

به این کشور را تحریم کرده است.» او از اعضای مجلس خواسته است تا متحدانه از ایالات متحده خواهان پایان تحریم افغانستان [اداره طالبان] و آزادی بی‌قیدوشرط وجوه مسدودشده افغانستان شوند.

در این نوشته ضمن بررسی اعلامیه کنفرانس اخیر فارمت مسکو، موضع و نقش روسیه در افغانستان، به‌خصوص در یک دهه اخیر که طالبان به‌تدریج دوباره در نقش بازیگر اصلی سیاست و جنگ افغانستان برگشتند، مرور شده است.

الف) پیام اعلامیه فارمت مسکو

در اعلامیه کنفرانس اخیر مسکو نکات تشریفاتی بسیاری مطرح شده است، از جمله ضرورت رعایت حقوق و آزادی‌های اولیه مردم و تعهد به حمایت از افغانستان صلح‌آمیز، متحد، مستقل، دارای تمامیت ارضی و از نظر اقتصادی در حال رشد. اما رخ اصلی پیام آن اعلامیه، به سمت امریکا و متحدانش بود:

۱- در اعلامیه گفته شده است که هیچ کشور ثالثی نباید در افغانستان و کشورهای مجاور آن مراکز نظامی ایجاد کند. کشور ثالث در این‌جا نام مستعار ایالات متحده امریکا است. اشتراک‌کنندگان مجلس مسکو در یک‌ونیم سال گذشته دیدند که امریکا انحصارش بر حریم فضائی افغانستان را حفظ کرده و حملات هوائی را در کابل و برخی نقاط دیگر کشور انجام داده است. احتمالاً کشورهای منطقه از ادامه حضور امریکا، برگشت احتمالی نیروهای آن کشور به پایگاهی در پاکستان و یا در داخل افغانستان و کنترل طالبان از طریق مساعدت‌های مالی و تهدید نظامی، نگران‌اند.

۲- در اعلامیه آمده است که وضعیت اقتصادی افغانستان نگران‌کننده است و باید برای بازسازی آن کمک صورت گیرد؛ اما امضاکنندگان اعلامیه هیچ تعهد مشخصی برای نجات افغانستان از بحران اقتصادی نسپرده‌اند، بلکه بار اصلی این مسؤلیت را بر دوش ایالات متحده و کشورهای انداخته‌اند که ۲۰ سال در افغانستان حضور نظامی داشتند.

۳- آنان گفته‌اند که ایالات متحده و ناتو باید به افغانستان، به خاطر حضور نظامی بیست‌ساله‌شان خسارت بدهند. ظاهراً در این پیام توافق نظر وجود نداشته و از زبان اکثریت، نه همه اعضای مجلس، مطرح شده است.

۴- گفته شده است که ایالات متحده باید پول‌های مسدودشده افغانستان را آزاد کند و یک گروه بین‌المللی مذاکره در مورد افغانستان از طریق ملل متحد (نه ایالات متحده و ناتو) ایجاد شود. این سخن، اذعان اشتراک‌کنندگان به انحصار ایالات متحده بر مسایل افغانستان است.

۵- پیام مهم دیگری که به‌صورت ضمنی و پوشیده در اعلامیه مطرح شده، این است که به زعم اشتراک‌کنندگان مشکل افغانستان دموکراسی، انتخابات، حقوق بشر و آزادی‌های مدنی نیست. در آن اعلامیه قصداً به جای حقوق بشری، از حقوق اساسی و به جای آزادی‌های مدنی و سیاسی از اصطلاح آزادی‌های اولیه یاد شده است.

بخش دیگر پیام اعلامیه خطاب به خود اشتراک‌کنندگان است. آنان بر ضرورت اقدام هماهنگ در برابر دشواری‌های ناشی از وضعیت افغانستان تأکید کرده‌اند. از نظر آنان، افغانستان منبع سه مشکل عمده برای منطقه است:

۱- تروریسم و افراطگرایی؛

۲- تولید و قاچاق مواد مخدر؛

۳- بحران مهاجرت.

به نظر کشورهای عضو اجلاس مشورتی مسکو، منبع اصلی این دشواری‌ها فروپاشی اقتصادی افغانستان و بحران سیاسی است که مسؤول آن ایالات متحده و ناتو می‌باشند؛ آن‌هایی که در ۲۰ سال گذشته در افغانستان حضور نظامی داشتند. از این رو مسؤلیت بازسازی، مساعدت‌های بشردوستانه، کمک به انکشاف اقتصادی و حمایت از کشت بدیل تریاک را بر عهده آن کشورها گذاشته‌اند.

تفاوت مهم اجلاس منطقه‌ای که تحت رهبری چین یا روسیه برگزار می‌شود، با آنچه از سوی غربی‌ها برگزار می‌شود، نوع تعهدات است. غربی‌ها در کنفرانس‌های‌شان معمولاً پلان عمل ارایه می‌کنند و برنامه‌هایی برای دخالت و یا حمایت دارند. آنان به‌خصوص در مسایل افغانستان، به متهم کردن رقیبان اکتفاء نمی‌کنند و مجالس‌شان را با اعلام اقدامات ملموس، زمان‌بندی‌شده و قابل سنجش پایان می‌دهند.

با وجود خروج نیروهای امریکا و ناتو، کشورهای منطقه به‌خصوص چین و روسیه، افغانستان را حوزه نفوذ غرب دانسته و به اعلام موضع و واکنش اکتفاء می‌کنند. به همین دلیل نباید اقدام همسو و فعال را در مسایل افغانستان از سوی اعضای این اجلاس انتظار داشت. اگر روسیه به دلیل منافی که در آسیای میانه دارد، دست به اقدامی بزند و از یکی از طرف‌های منازعه در افغانستان فعالانه حمایت کند، لزوماً همه اعضای فارمت مسکو همراهی خواهند کرد.

ب) نگاهی به سابقه فارمت مسکو

پس از حمله نظامی ایالات متحده و ناتو در اکتوبر ۲۰۰۱، سیاست روسیه در قبال افغانستان متأثر از روابط آن کشور با ایالات متحده در حال تغییر بوده است. مدت کوتاهی پس از سقوط امارت طالبان در نومبر ۲۰۰۱، روسیه یک هیأت دیپلماتیک به افغانستان فرستاد. در ماه‌های مارچ و جون ۲۰۰۲ حامد کرزی که رئیس حکومت انتقالی بود، به آن کشور سفر کرد و پس از آن روسیه برای مدت سه سال افغانستان را در بخش نظامی سالانه ۳۰ میلیون دلار کمک کرد. به نقل از گزارشی که مرکز مطالعات ستکهلم برای اروپای شرقی (SCEEUS) در اواخر سال ۲۰۲۱ با عنوان «منافع روسیه در افغانستان» نشر کرده است، روسیه در آن سال‌ها هژدهمین کشور در ردیف کمک‌کنندگان مالی به افغانستان بود.

در آن سال‌ها رقابت روسیه و ناتو در شرق اروپا در حال تشدید بود و در سال ۲۰۰۴ حرکت‌های ضدروسی در اوکراین که به انقلاب نارنجی معروف شد، اوج گرفت. با افزایش تنش‌ها در شرق اروپا، روسیه در سال ۲۰۰۶ کمک‌هایش به افغانستان را متوقف کرد. زمانی که اوپاما در سال ۲۰۰۹ با شعار کاهش نیروها در افغانستان به ریاست جمهوری رسید، رابطه بین حکومت کرزی و مسکو دوباره گرم شد و دیمتری مدودف، رئیس جمهور وقت روسیه، وعده از سرگیری کمک‌های نظامی به افغانستان را اعلام کرد.

پس از غیبتی کوتاه، روسیه نیز دوباره با پاکت‌های تشویقی مالی و اقتصادی‌اش برگشته بود. به تاریخ ۶ اگست ۲۰۰۷، آن کشور اعلام کرد که ۱۱ میلیارد دلار قرضه دوران شوروی به افغانستان را می‌بخشد و وزیران مالی افغانستان و روسیه در این ارتباط موافقت‌نامه‌ای را امضاء کردند. چند سال بعد اعلام شد که نزدیک به یک میلیارد دلار قرضه باقی‌مانده آن دوران نیز پس گرفته خواهد شد.

حجم تجارت بین روسیه و افغانستان افزایش یافت و شرکت‌ها و انجیران روسی برای سرمایه‌گذاری و بازسازی پروژه‌های بازمانده از دوران شوروی در شمال و شرق افغانستان ظاهر شدند. بازسازی بند نغلو و احیای شرکت لوجستیکی افسوتر، نمونه‌هایی از برگشت روس‌ها به بازار افغانستان بودند. در سال ۲۰۱۴، دادوستد سالانه تجارتي بین روسیه و افغانستان به یک میلیارد دلار رسیده بود.

از سوی دیگر، با گذشت زمان نقش طالبان در میدان جنگ و به تاسی از آن در سیاست کشورهای منطقه و جهان در قبال افغانستان افزایش یافت. تا سال ۲۰۱۴، اتفاقات بسیاری به سود رابطه غربی‌ها با طالبان رخ داده بود و حامد کرزی برای ابراز نارضایتی از آن تحولات ژست‌های ضد امریکائی آشکار نشان می‌داد. از جمله او از الحاق جزیره کریمه به خاک روسیه، علنی حمایت کرد.

با جدی شدن طرح خروج نیروهای ائتلاف، روس‌ها تمرکز خود را از مراودات تجاری و همکاری با حکومت افغانستان به تدابیر منطقه‌ای و چگونگی مقابله با گسترش احتمالی دامنه ناامنی‌ها از افغانستان به کشورهای آسیای میانه تغییر دادند. تماس با طالبان، بخشی از این سیاست بود. در واقع فارمت مسکو از آغاز با اذعان به نقش طالبان و نیاز به مذاکره با این گروه، ساخته شد. اولین جلسه ای که پیش‌زمینه فارمت مسکو شد، در دسامبر ۲۰۱۶ برگزار گردید. به تاریخ ۲۷ دسامبر آن سال نمایندگان سه کشور روسیه، چین و پاکستان در مسکو گردهم آمدند و توافق کردند که مذاکره های منطقه‌ای را برای افغانستان پس از خروج نیروهای امریکا و ناتو آغاز کنند. پیش از آن نیز، سه کشور یادشده دوبار جلسه های سه‌گانه بین هم داشتند. یک سال قبل از آن، روسیه از روابطش با طالبان نیز پرده برداشته بود و به‌تدریج این روابط را علنی‌تر می‌ساخت.

هنگامی که روسیه، چین و پاکستان در مسکو روی طرح صحبت های منطقه‌ای مذاکره می‌کردند، غیر از حضور فعال طالبان در عرصه دیپلماسی، داعش نیز به‌عنوان خطری بالقوه و جدی منطقه‌ای در خاک افغانستان به میدان آمده و سرخط خبرها شده بود. آن سه کشور به تاسی از نقش تازه‌ای که جامعه جهانی برای طالبان قایل شده بود، دیگر آن گروه را تهدید جدی نمی‌پنداشتند، بلکه داعش شاخه خراسان را تهدید اصلی تروریستی برخاسته از افغانستان می‌خواندند. در اعلامیه پایانی جلسه سه‌جانبه مذکور، روسیه و چین اعلام کردند که برای تسهیل صحبت های صلح در افغانستان و تشویق طالبان به مذاکرات صلح، به بیرون کردن نام برخی افراد آن گروه از فهرست سیاه شورای امنیت ملل متحد انعطاف نشان خواهند داد و گفتند که سال بعد حکومت افغانستان را نیز در اجلاس دعوت خواهند کرد.

اجلاس دوم فارمت مسکو به تاریخ ۱۷ فبروری ۲۰۱۷ برگزار شد و در آن شش کشور شرکت کردند. آن زمان اگرچه گروه طالبان بازیگر اصلی میدان پس از خروج عساکر امریکا و ناتو پذیرفته شده و مرکز توجه کشورهای منطقه بود، اما هنوز جمهوری اسلامی افغانستان جدی گرفته می‌شد و وزیر خارجه‌اش، صلاح‌الدین ربانی، با وزیر خارجه روسیه، سرگئی لاوروف، یک هفته قبل از آن اجلاس دیدار و بر سر اجندای اجلاس و چگونگی موضع‌گیری در برابر طالبان مذاکره کردند.

در آن سال علاوه بر روسیه، چین و پاکستان، سه کشور افغانستان، هند و ایران نیز در اجلاس شرکت کردند. اجلاس فبروری ۲۰۱۷ به خاطر حضور همزمان پاکستان و هند، مهم خوانده شد.

ج) موضع امریکا در برابر ابتکار منطقه نی روسیه

سومین دور اجلاس به تاریخ ۱۴ اپریل ۲۰۱۷ زیر نام «کنفرانس مسکو در مورد افغانستان» برگزار شد. برای اولین بار روسیه توانست ۱۰ کشور منطقه را بر محور مسایل افغانستان دور یک میز جمع کند. از ایالات متحده نیز دعوت شده بود، اما امریکا ترجیح داد که به جای شرکت در آن اجلاس منطقه‌ای، چند روز قبل از آن (۱۲-۱۱ اپریل) وزیر خارجه‌اش ریکس تلرسون را به مسکو بفرستد. امریکا با عدم اشتراک در این اجلاس، در واقع پیام داد که با تدبیر منطقه‌ای که به رهبری روسیه برای افغانستان سنجیده می‌شود، همکاری نخواهد کرد.

از دولت افغانستان نیز به جای وزیر خارجه، رئیس پالیسی و استراتژی وزارت خارجه شرکت جسته بود. این اقدام را می‌توان همراهی دولت افغانستان با پالیسی امریکا تعبیر کرد، یا حداقل می‌توان گفت که حکومت غنی نخواستنه بود با جدی گرفتن فارمت مسکو، باعث آزردهی حامیان امریکائی‌اش شود.

در آستانه این اجلاس منطقه‌ای، یک اتفاق دیگر در افغانستان افتاد که احتمالاً بی‌رابطه با رقابت‌های روسیه و ایالات متحده نبود. بزرگترین بم غیر هسته‌ای امریکا موسوم به مادر بم به تاریخ ۱۳ اپریل (یک روز قبل از شروع اجلاس

مسکو) در شرق افغانستان پرتاب شد. احتمالاً آمریکا با انفجار آن بم، پیامی به کشورهای منطقه ارسال کرده و گفته بود که هنوز در این کشور زمان پساامریکا دور است و تلاش مسکو و قدرت‌های منطقه‌ای برای پر کردن جایش و تماس‌های مستقیم آن‌ها با طالبان به مذاق واشنگتن خوش نمی‌خورد. مادر بم با نام رسمی GBU-43 حدود ۱۰ تن وزن داشت و بر محله‌ای در قریه مومن‌دره از مربوطات ولسوالی اچین ولایت ننگرهار پرتاب شد. آمریکا مدعی شد که در آن انفجار تونل‌های زیرزمینی داعش تخریب و ۳۶ جنگجوی این گروه کشته شدند. نشانه‌های رابطه این انفجار با اجلاس مسکو را در رقابت دیرینه تسلیحاتی آمریکا و روسیه هم می‌توان یافت. آمریکا مادر بم خود را در سال ۲۰۰۲ ساخته بود و یک سال بعد، در ۲۰۰۳ آزمایش کرد. روسیه در سال ۲۰۰۷ میلادی اعلام کرد که پدر بم‌ها را ساخته و مدعی شد که پدر بم‌ها چند برابر مادر بم‌های آمریکا قدرت تخریب دارد. نام‌گذاری کنایه‌آمیز مادر بم‌ها و پدر بم‌ها بین این دو کشور، حکایت از رقابت تسلیحاتی داشت و اولین کاربرد عملی آن در افغانستان، تنها یک روز قبل از اولین اجلاس رسمی فارمت مسکو با ترکیب جامع منطقه‌ای، باید پیام فراتر از افغانستان داشته بوده باشد.

تحولاتی که پس از آن در دوحه اتفاق افتاد و امتیازاتی که ایالات متحده به طالبان داد، نیز بخشی از این رقابت بود. در واقع آمریکا با واگذاری افغانستان به طالبان، مانع غلتیدن آن گروه به دامن روسیه، چین و دیگر رقیبانش شد. آمریکا در توافق‌نامه دوحه با طالبان همچون مالک افغانستان و صاحب دولت برخورد کرد و برای رعایت دیپلماسی تذکر داد امارتی را که طرف توافقش است، به رسمیت نمی‌شناسد!

د) خطر تریاک و تروریسم برای روسیه

تریاک افغانستان از سه مسیر به جهان صادر می‌شود. یکی از مسیر ایران و ترکیه به بالکان، دیگر از مسیر ایران و پاکستان به خلیج و از آنجا به افریقا، جنوب آسیا، اقیانوسیه و آمریکای شمالی و سومی مسیر آسیای میانه به مقصد روسیه است [۱]. بخش عمده مواد مخدری که از دهلیز شمال صادر می‌شود، مشتقات تریاک و برای مصرف در بازار خود روسیه است. هزینه انسانی و اقتصادی مواد مخدر در آن کشور بسیار بالا است و براساس گزارش مرکز مطالعات ستکهلم برای اروپای شرقی [۲]، در فاصله بین ۲۰۰۱ و ۲۰۱۷، بیش از ۵۰۰ هزار روس در نتیجه استفاده هیروئین تولیدشده در افغانستان جان دادند؛ یعنی هر سال نزدیک به ۳۰ هزار تن. در عین حال، مبارزه با مواد مخدر هزینه‌های مالی بسیاری برای دولت روسیه دارد.

رابطه قاچاق مواد مخدر با سایر جرایم و نیز نقش آن در تمویل شبکه‌های تروریستی، بر خطرات آن می‌افزاید. مواد مخدر افغانستان جز آمریکای جنوبی، به تمام جهان قاچاق می‌شود و برای انتقال آن از افغانستان تا گوشه‌های مختلف جهان شبکه‌ها، گروه‌های جنایتکار و زیرساخت‌های محلی و جهانی در کار است. روسیه می‌داند که همزمان با افزایش حضور نیروهای تروریستی در شمال افغانستان، قاچاق مواد مخدر نیز در آن مسیر افزایش می‌یابد.

نام داعش با جنگ سوریه و عراق گره خورده و از آنجائی که روسیه در جنگ سوریه دخالت مستقیم داشت، داعش با شعار جهاد جهانی‌اش برای روس‌ها دردسر بالقوه محسوب می‌شود. در عین حال هزاران روس در عراق و سوریه در جبهه مقابل دولت روسیه می‌جنگیدند و گفته می‌شود تعدادی از آنان در شمال افغانستان جابه‌جا شده و در پی نفوذ به آسیای میانه و روسیه‌اند. داعش در میان قفقازی‌ها نیز نفوذ دارد و گفته می‌شود برخی از آنانی که از جنگ سوریه و عراق مخفیانه به خاک روسیه و قفقاز برگشته‌اند، منتظر فرصت‌اند و هرگاه گروه‌های جهادی مستقر در افغانستان توانائی نفوذ به آسیای میانه و قفقاز را بیابند، نیروهای افراطی خفته در آن مناطق در خلق آشوب بزرگ همراه خواهند شد. در میان مسلمانان بومی روسیه، مهاجران و آنانی که به‌تازگی از طریق تبلیغات گروه‌های تندرو جهادی به اسلام

گرویده‌اند، حلقه‌های مخفی نزدیک به افراطیانی چون داعش به وجود آمده است و اگر آشوبی در آسیای میانه و قفقاز راه افتد، آنان می‌توانند خطرات جدی برای امنیت روسیه خلق کنند. در گذشته نیز گروه‌های تروریستی بخت خود را در خلق ناامنی در خاک روسیه، آسیای میانه و قفقاز آزموده‌اند. از جمله در اپریل ۲۰۱۷، زمانی که روسیه سرگرم برگزاری بزرگترین اجلاس منطقه‌ای در مورد مسایل افغانستان بود، یک حمله تروریستی در متروی شهر سن‌پترزبورگ آن کشور ۱۶ تن را کشت و ده‌ها تن دیگر را زخمی کرد (۳ اپریل ۲۰۱۷). گزارش شد که مجریان آن بم‌گذاری از مهاجران آسیای میانه بودند و از تندروان خارجی چون داعش الهام می‌گرفتند.

ه) تحول موضع روسیه در برابر طالبان

زمانی که ایالات متحده اعلام کرد بعد از سال ۲۰۱۴ نیروهایش را در خاک افغانستان کاسته و به‌تدریج حضور نظامی‌اش در این کشور را پایان خواهد داد، گروه طالبان چون بازیگر مهم سیاسی دوباره به صحنه برگشت و پاکستان که به حامی و مدیر اصلی پروژه طالب شهرت یافته بود، در سیاست افغانستان به‌تدریج نقش محوری‌تر پیدا کرد. روسیه نیز همزمان رابطه‌اش با پاکستان را تقویت کرد و کانال‌هایی برای تماس مستقیم با طالبان ساخت. به تاریخ ۲۶ اکتوبر ۲۰۱۵، وبسایت خبری سپوتنیک به نقل از ضمیر کابلوف، از مقام‌های وزارت خارجه آن وقت روسیه، برای اولین بار به‌طور رسمی روابط روسیه و طالبان را اعلام کرده نوشت: «ما یک کانال ارتباطی با طالبان داریم تا در صورت ضرورت به آنان پیام بدهیم.» کابلوف این سخن را در واکنش به گزارش روزنامه امریکائی دیلی بیست گفته بود که در آن به نقل از یک عضو کمیته نظامی طالبان گفته شده بود آن گروه با روسیه همکاری دارد. [۳] دو ماه بعد، به تاریخ ۲۸ دسمبر همان سال، ایگور لیاکین فرولوف، سفیر روسیه در تاجیکستان، نیز تأیید کرد که کشورش به میانجی‌گری برخی کشورها با نمایندگان بخش میانه‌رو طالبان در خاک تاجیکستان مذاکره کرده است [۴]. او دلیل اصلی تماس کشورش با طالبان را وجود منازعه بین طالبان و داعش خوانده و گفته بود میان داعش‌یانی که از خارج به افغانستان نفوذ می‌کنند و طالبان [که یک نیروی بومی است] تنش‌هایی وجود دارد و از نظر تاکتیکی استفاده از این تنش‌ها خوب است. طالبان نیز بعد از مدتی انکار، اعتراف کردند که با روسیه در تماس اند، ولی از این تماس‌ها جز حمایت اخلاقی و سیاسی انتظار دیگری ندارند [۵].

آیا این تماس‌ها برآستی صرفاً اخلاقی و سیاسی بود یا به حمایت‌های نظامی و حضور مشاوران روسی در میان طالبان نیز رسیده بود؟ مقام‌های نظامی امریکا و افغانستان در آن سال‌ها، بارها ادعا کردند که روسیه از طالبان حمایت نظامی می‌کند. زمانی که در سپتمبر ۲۰۱۵، برای اولین بار طالبان شهر قندز را برای مدتی کوتاه تصرف کردند، قسیم جنگل‌باغ، قوماندان امنیه آن ولایت، گفته بود که طالبان به حمایت روسیه و تاجیکستان شهر را تصرف کردند. [۶]

زمانی که مذاکرات علنی ایالات متحده و طالبان در ۲۰۱۸ آغاز شد، روسیه نیز از آن روند اعلام حمایت کرد؛ اما در عین حال برای به نبرد فراخواندن انحصار امریکا بر مذاکره‌ها برای دوران پس از خروج نیروهای ائتلاف، کوشید روابطش را با طالبان بیشتر سازد. در سال ۲۰۱۹، تمام کشورهای دخیل در امور افغانستان مشغول دیدووادید با طالبان بودند، طوری که به نظر می‌رسید بر سر تصاحب طالبان رقابت بین‌المللی و منطقه‌ای راه افتاده است. در می ۲۰۱۹ روسیه به بهانه تجلیل از صدمین سال روابط دیپلماتیکش با افغانستان، هیأت بزرگی از طالبان و سیاستمداران افغان را در مسکو گردهم آورد و سرگنی لاوروف از کشورهای غربی خواست تا نیروهای خود را هرچه زودتر از افغانستان بیرون بکشند.

حکومت اشرف غنی از این تحرکات و به حاشیه افتادن دولتش ناراحت بود، اما همان طوری که امریکا همزمان با دادن امتیازات به طالبان و رسمیت بخشی نقش آن گروه در ایجاد حکومت پس از خروج نیروهای بین المللی، با ذکر عباراتی چون حکومت همه شمول، مذاکرات بین الافغانی و امارت اسلامی که ایالات متحده به رسمیت نمی شناسد، می کوشید به نگرانی های دولت افغانستان پاسخ بگوید، روسیه نیز در کنار دیدارهای آشکار و پنهان با طالبان و دعوت نمایندگان آن گروه به مسکو، یادآور می شد که به دولت همه شمول باور دارد. در فیروزی ۲۰۱۷، مسکو به هیأت دولت افغانستان که به آن کشور رفته بود، گفت که در مذاکرات صلح بین الافغانی باید نقش محوری به کابل داده شود. روسیه نزدیکی اش با طالبان را تلاش برای تأمین صلح عنوان می کرد و از کابل می خواست که نباید نگران توسعه روابط مسکو با طالبان باشد؛ اما حکومت افغانستان نشانه های نگران کننده از روابط روسیه و طالبان را می دید.

در مارچ ۲۰۱۸، جنرال جان نکلسون به رسانه ها گفت که روسیه به نیروهای طالب اسلحه و پول می دهد. او در مصاحبه با بی بی سی [۷] گفت که روسیه در مورد تعداد نیروهای داعش غلو می کند و حضور داعش در افغانستان را بهانه قرار داده در امتداد مرز تاجیکستان و افغانستان مانور نظامی برگزار می کند. به گفته نکلسون، یکی از اهداف مانور نظامی روس ها، انتقال اسلحه به مرز افغانستان بود. او مدعی شده بود که روس ها مقدار زیادی سلاح را برای اجرای مانور نظامی به مناطق مرزی تاجیکستان انتقال می دهند، ولی در برگشت با خود نمی برند.

واقعیت این است که در مورد داعش سوءظن های زیاد وجود داشت و هنوز این سوءظن ها پایان نیافته است. برخی سیاستمداران افغان از جمله حامد کرزی، خارجی ها را به ساختن پروژه داعش و انتقال نامنی به شمال افغانستان متهم کردند، ولی برخی ها، حلقاتی در داخل حکومت افغانستان را متهم به همدستی با داعش می کردند. از جمله فعالان جنبش روشنائی بارها مدعی شدند که داعش نام دوم شورای امنیت ملی است و حنیف اتمر را متهم به همکاری با آن گروه کردند. در پارلمان افغانستان نیز بارها اتهاماتی نسبت به نقش خارجی ها، شورای امنیت ملی افغانستان و برخی اعضای پارلمان در همکاری با داعش یا انجام فعالیت های تروریستی زیر نام داعش مطرح شده بود. امروز نیز از داعش، چهره ای مبهم و چندپهلوی در اذهان وجود دارد، چنان که بارها گروه طالبان متهم شده است که به بهانه داعش و نیز زیر نام آن گروه، مخالفانش را سرکوب می کند.

در سطح منطقه نیز کشورهایی از جمله ایران و روسیه، غرب و در رأس آن امریکا را متهم به داعش پروری کرده اند. هرچه هست، عنوان داعش به برگشت طالبان به قدرت یاری رساند. مطرح شدن گروه مخوفی که از کشتن مادران در زایشگاه، ورزشکاران در ورزشگاه، نمازگزاران در مسجد و شاگردان در مکاتب ابا ندارد، اذهان را برای معتدل نشان دادن طالبان آماده ساخت و در عین حال، در کشورهای مجاور افغانستان هراس از قدرت گیری گروه تروریستی که آجندای منطقه ای دارد، افزایش یافت و آنان را به همکاری با طالبان که مدعی جهاد وطنی بودند، تشویق کرد. طالبان نیز کوشیدند به کشورهای منطقه و همسایگان افغانستان اطمینان دهند که جز تسلط بر افغانستان، هدف مذهبی و سیاسی دیگری را تعقیب نمی کنند. برخی نمایندگان طالب به همسایگان وعده سپرده بودند که مانع فعالیت گروه های تروریستی آسیای میانه و تندروان اویغور در خاک افغانستان خواهند شد.

در جریان خروج نیروهای خارجی از افغانستان، روسیه تماس هایش با طالبان را بیشتر ساخت و حدود یک ماه قبل از سقوط کابل به دست طالبان، یک هیأت طالبان به مسکو سفر کرد و به روس ها از عواقب برگشت حکومت طالبانی اطمینان داد. طالبان مصونیت دیپلمات های روس را تضمین کردند و تعهد سپردند که دست به هیچ گونه اقدام تحریک آمیز در آن سوی مرزهای شمالی افغانستان نخواهند زد. در عین حال، آنان به روسیه اطمینان دادند که به هیچ گروهی اجازه نخواهند داد تا از خاک افغانستان برای حمله بر خاک روسیه و همسایگان شمالی افغانستان استفاده کند.

روسیه در عوض بیشتر و علنی‌تر از گذشته به تمجید طالبان و انتقاد از حکومت جمهوری اسلامی افغانستان روی آورد. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، در اواخر جولای ۲۰۲۱ طالبان را به‌عنوان «نیروی قوی» تمجید کرد و معاون اول نمایندگی دایمی روسیه در ملل متحد در یک کنفرانس مطبوعاتی به تاریخ ۲۹ جولای آن سال رفتار طالبان را معقول خواند و حکومت افغانستان را متهم به کارشکنی در مذاکرات برای تقسیم قدرت کرد، و در شرایطی که مناطق مختلف افغانستان یکی پی دیگر به دست طالبان سقوط می‌کرد، نماینده ویژه روسیه برای افغانستان، قدرت‌گیری طالبان را به سود امنیت منطقه دانست [۸].

البته روسیه، در کنار تمجید نقش طالبان و همکاری با آن گروه، از فروپاشی دولت در افغانستان و در نتیجه سرریز شدن ناامنی از مرزهای شمالی این کشور نگران بود. زمانی که در جولای ۲۰۲۱ طالبان مناطق مرزی شمال افغانستان از جمله شیرخان‌بندر را تسخیر کردند، روسیه به تاجیکستان نیروهای بیشتر فرستاد و تمرین نظامی مشترکی را با تاجیکستان در نزدیکی مرزهای افغانستان راه‌اندازی کرد.

به تاریخ ۱۵ اگست آن سال، طالبان کابل را نیز تسخیر کردند و سفیر روسیه در افغانستان رفتار طالبان را «مسئولانه و مدنی» [۹] خواند. او گفت که کشورش قصد ندارد کارمندان سفارت و دیپلمات‌هایش را از افغانستان بیرون کند، اما خلاف آن اعلام، چند روز بعد گفته شد که چهار فروند طیاره نظامی روسیه به افغانستان رفته و شهروندان آن کشور را بیرون کشیده‌اند. با گذشت روزها و هفته‌ها از برگشت طالبان به قدرت، روس‌ها بیشتر متوجه خطرات آن تحول شدند و ظاهراً یقین کردند که امریکا هنوز ابزار کافی برای کنترل وضعیت افغانستان را در اختیار دارد و امید بستن به وعده‌های طالبان و رفتار «مدنی» آن گروه، خطا است. هنوز یک ماه از برگشت طالبان به ارگ نگذشته بود که سخنگوی کرملین در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که برگشت گروه تندرو طالبان به قدرت، به نفع هیچ‌کسی نبود، چرا که خطرات تروریسم و مواد مخدر همچنان پابرجا است. او گفت: «به بیان دیگر، هیچ‌یک از ما [از قدرت‌گیری طالبان] سود نبرده‌ایم، چون مسایل اساسی همچنان [حل‌ناشده] باقی می‌مانده، اگر... تریاک بازم از افغانستان به سراسر جهان و کشور ما به مقدار بسیار زیاد توزیع شود و اگر افغانستان همچنان پناهگاه امن برای گروه‌های تروریستی باشد... بلی، تا وقتی این تهدیدها باقی است، هیچ‌یک از ما سود نمی‌بریم.» [۱۰]

کشورهای آسیای میانه در موضع‌گیری‌های روسیه نسبت به طالبان، نقش محوری دارند. روسیه می‌کوشد موضعش در مسایل افغانستان را در آئینه روابطش با متحدان آسیای میانه تنظیم کند. کشورهای آسیای میانه اما در برابر طالبان موضع مشترک ندارند. از تمایل آشکار ترکمنستان به تعامل با طالبان تا مخالفت شدید تاجیکستان با این گروه و موضع بی‌طرفانه اوزبیکستان، نگاه کشورهای آسیای میانه به همسایه آشوب‌زده جنوبی‌شان متفاوت است. روسیه که آسیای میانه را حوزه نفوذش می‌داند، نمی‌تواند دیدگاه هیچ‌یک از این کشورها را نادیده بگیرد.

جمع‌بندی

۱- اشتراک‌کنندگان اجلاس اخیر مسکو، هنوز افغانستان را حوزه نفوذ غرب می‌دانند و به اعلام موضع و واکنش نسبت به اقدامات امریکا در این کشور اکتفا کرده‌اند. لذا نباید اقدام همسو و فعال را در مسایل افغانستان از سوی آن‌ها انتظار داشت.

۲- روسیه و چند عضو مهم دیگر فارمت مسکو، گروه طالبان را به دلیل مخالفتش با ارزش‌های دموکراتیک چون آزادی بیان، حقوق بشر و انتخابات، دوست می‌شمارند و از این‌که پروژه غرب برای «تقویت» دموکراسی در افغانستان با شکست مواجه شده، راضی‌اند. آن‌ها امیدوارند که طالبان بتوانند اداره غیرانتخابی خود را تثبیت کنند و کشور را به

مسیری که برای منطقه "نورمال" است، هدایت کنند. اما روابط پیچیده طالبان با نیروهای تروریستی دارای آجدای منطقه‌ئی از یک سو و کنترل امریکا و غرب بر طالبان از سوی دیگر، آن‌ها را در حمایت از این گروه دچار تردید کرده است.

۳- روسیه با آن‌که به تناسب ایران، پاکستان، چین و هندوستان کمتر به جزئیات مسایل سیاسی و اقتصادی افغانستان آغشته است و در پروژه‌های انتقال انرژی (چون کاسا یک‌هزار و تاپی)، معادن (چون مس عینک و آهن حاجی‌گک) و آب (دریاهای هریرود، هلمند و کنر) افغانستان مثل همتایان منطقه‌ئی یادشده‌اش درگیر نیست، اما از آن‌جائی که از کوریای شمالی در شرق دور تا آسیای‌میانه و قفقاز و از آن‌جا تا اوکراین و اقیانوس منجمد شمالی در رقابت‌های جهانی گرفتار است، بیش از هر کشور دیگر منطقه مترصد تحرکات امریکا در افغانستان بوده و از احتمال گسترش تروریسم و آشوب به آسیای‌میانه هراس دارد.

۴- منافع روسیه در آسیای‌میانه وسیع است و آن منطقه را حیاط خلوت خود می‌خواند. روسیه در آسیای‌میانه با چین، امریکا، ترکیه، ایران و پاکستان درگیر رقابت است. به نقل از گزارشی که از سوی انستیتوت فرانسوی مطالعات روابط بین‌الملل نشر شده است، روسیه در مدت ۱۰ سال بین ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷، مبلغ هشت میلیارد دلار به کشورهای آسیای‌میانه مساعدت مالی و در همان مدت مبلغ ۲۰ میلیارد دلار در آن منطقه سرمایه‌گذاری کرده است. این مبالغ حکایت از جایگاه مهم آسیای‌میانه در اقتصاد روسیه دارد. هر گونه تهدید برخاسته از افغانستان که متوجه آسیای‌میانه باشد، برای روسیه از نظر بازار و منافع اقتصادی نیز پرهزینه است.

۵- روسیه، در سال‌های اخیر کوشیده است به طالبان نزدیک شود، اما ابزاری که امریکا برای مدیریت رفتار طالبان در اختیار دارد (از جمله حفظ کنترل بر حریم فضایی افغانستان، ویتوی رسمیت امارت آن گروه، کنترل جریان کمک‌ها و نظارت بر دلرهای که وارد افغانستان می‌شود)، باعث شده است تا روسیه دلگرمی‌اش را نسبت به طالبان از دست بدهد. اکنون به نظر می‌رسد روسیه در حال رأی‌زنی بر سر احتمال همکاری با مخالفان طالب است. دعوت نشدن نماینده طالبان در اجلاس فارمت مسکو، سفر احمد مسعود به روسیه و انتقاد گلبدین حکمتیار از نقش روسیه در حمایت مخالفان طالب، نشانه‌هایی از این احتمال است.

۶- روسیه از تجمع گروه‌های تروریستی در شمال افغانستان نگران است و طالبان را در اجرای تعهدش برای جلوگیری از نفوذ گروه‌های تندروی که آجدای منطقه‌ئی دارند، ناکام می‌خواند.

۷- از لحن اعلامیه فارمت مسکو، مرور موضع‌گیری‌های چند سال اخیر روسیه و دردهائی که جنگ اوکراین برایش خلق کرده است، می‌توان نتیجه گرفت که آن کشور در افغانستان، به موضع واکنشی‌اش در برابر امریکا ادامه خواهد داد و دست به اقدام تهاجمی نخواهد زد. روسیه رابطه‌اش با مخالفان طالب را با توجه به نقش امریکا در افغانستان تنظیم خواهد کرد. هرگاه گروه طالبان بیشتر از امروز گوش‌به‌فرمان امریکا شود و به نگرانی‌های روسیه در زمینه حضور شورشیان خارجی در شمال کشور و افزایش قاچاق مواد مخدر از آن مسیر توجه نکند، احتمال تکرار سناریوی اواخر دهه ۱۹۹۰ و حمایت جدی‌تر روسیه از مخالفان نظامی طالبان افزایش خواهد یافت.

منابع:

- [۱] <https://www.unodc.org/.../afghan-opiate-trafficking-along->
- [۲] <https://www.ars.se/.../russian-interests-in-afghanistan->
- [۳] Russia Has Communication Channel With Taliban – Foreign Ministry Official – 26.10.2015, Sputnik International (sputniknews.com)
- [۴] Did Putin meet with the Taliban leadership in Dushanbe? (ozodi.org)
- [۵] Taliban denies sharing ISIL intelligence with Russia | Taliban News | Al Jazeera
- [۶] Dushanbe Probing Claim Taliban Tanks Being Repaired In Tajikistan (feri.org)
- [۷] <https://www.bbc.com/news/world-asia-43500299>
- [۸] <https://www.russiamatters.org/.../russia-review-july-23->
- [۹] <https://www.ndtv.com/.../moscow-evacuates-russians-ex->
- [۱۰] <https://tass.com/world/1336275>